

تجلی سیمای مادر در غزل دفاع مقدس

حسین قاسمی^۱، لیلا حضرتی^۲

^۱ دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قائمشهر، گروه زبان و ادبیات فارسی، قائمشهر، ایران
^۲ کارشناسی ارشد ادبیات فارسی (گرایش ادبیات مقاومت) دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم شهر

چکیده

ادبیات هر ملتی متأثر از حوادث اجتماعی، سیاسی و ... در ادوار مختلف است. ادبیات ایران نیز بر این اصل غیر قابل انکار استوار است. یکی از حوادث مهم و برجسته‌ی جامعه‌ی ما در چند سال اخیر، بروز جنگ تحمیلی است که مردم سرزمین ما ناخواسته با آن درگیر شدند که تأثیر آن تا به امروز نیز استمرار دارد. شاعران و نویسندگان آثار زیادی را با الهام و تحت تأثیر جنگ هشت ساله خلق کردند و آن را از زوایای مختلف به تصویر کشیدند. این جنگ بدون تفکیک جنسیت از تمامی ابعاد قابل بررسی است چرا که در این دفاع مقدس چه مرد و چه زن هر دو طیف از مردم ما حماسه آفرین بوده اند و زنان دوشادوش مردان رشادت‌های بی نظیری از خود نشان دادند که از نگاه تیزبین هنرمندان دور نماند. از شاخص‌ترین این زوایا توصیف سیمای مادر در شعر است. در این مقاله سعی بر آن است تا سیمای مادر به عنوان یک زن در غزل دفاع مقدس بررسی شود. نویسنده کوشیده است تا با بررسی غزل دفاع مقدس جنبه‌های مختلف سیمای مادر را در آن دسته‌بندی و با ذکر شاهد مثال‌هایی به تبیین و تحلیل این جنبه‌ها بپردازد. نتایج این بررسی حاکی از نقش پررنگ مادران در غزل‌های دفاع مقدس است.

واژه‌های کلیدی: دفاع مقدس، غزل، مادر.

مقدمه

اصطلاح ادبیات مقاومت، اصطلاحی است بسیار جدید و ادبیاتی را شامل می‌شود که به شرح و بیان مبارزه، پایداری و رنج مردم مبارز جهت به دست آوردن آزادی و رسیدن به برابری و از بین بردن ستم و کوتاه کردن دست اشغالگران از سرزمین اجدادی خود و دفاع از فرهنگ و سنت‌های قومی و حمایت از دین و باورداشته‌های مردم آن سرزمین می‌پردازد. (سنگری، ۱۳۸۰: ۲۵) حاصل چنین تلاشی در نهایت ادبیاتی است پویا، موثر و بسیار غنی و عاطفی که مخاطبین ادبیات را به سوی خود می‌کشاند. همچنین در تعریف ادبیات پایداری گفته‌اند: مجموعه آثاری که « درون‌مایه و موضوع آن با تکیه بر ویژگی ملیت یا دین، انسان‌ها را به دفاع و مبارزه در برابر هر نوع استبداد، تحقیر، بندگی و بردگی ترغیب و تشویق کند و یا صحنه‌های نبرد و تبعات آن را توصیف نماید » (مکارمی‌نیا، ۱۳۸۳: ۱۱) ادبیات پایداری نام دارد.

جنگ هشت ساله عراق با ایران و پیامدهای آن زمینه نگارش هزاران اثر در زمینه ادبیات مقاومت شد. در این آثار هنرمندان به موضوعاتی چون تاریخ عملیات‌ها، گزارش رخدادهای، نقش مردم، فرماندهان و رزمندگان، جایگاه خانواده، پدر، مادر، همسر و... پرداخته‌اند. با آغاز جنگ تحمیلی و عزیمت جوانان و مردان به جبهه‌ها برای حفظ کیان اسلام و میهن، مردم فهیم ایران نیز با آگاهی از وضعیت جبهه‌ها و اهمیت شرایط موجود در صحنه حضور یافتند. آن‌ها با درک وضع موجود « جبهه‌ها را تا خانه‌های خود گسترش دادند و با همی وجود در این مبارزه‌ی سرنوشت‌ساز شرکت کردند؛ فرزندان خود را راهی جبهه‌ها کردند و خود در پشت جبهه‌ها به جمع‌آوری امکانات پرداختند » (کریمی لاریمی، ۱۳۸۸: ۱۲۸). شرایط چنان بود که همه به این باور رسیده‌بودند که دفاع مقدس متعلق به همه‌ی مردم است. در چنین روزهایی زنان و پیشاپیش آنان، مادران، بار اصلی حمایت از رزمندگان را بر عهده گرفتند.

این تلاش و همراهی مردم؛ به ویژه، مادران این مرز و بوم برای حمایت از جبهه‌ها از نگاه تیزبین هنرمندان دورنماند و در آثار آنان به تصویر کشیده شد. شاعران جنگ در آفرینش اثر خود مادر شهید و جانباز و دیگر مادران را با قلم هنر و احساس در قالب شعر بیان کرده و به نوعی قدردان شکوه و عظمت ایثار و فداکاری آنان هستند.

در این مقاله سعی بر آن است تا تجلی سیمای مادر، از نقطه نظر هاوزوایای مختلف در دوره‌ی جنگ و پس از آن، دسته‌بندی، بررسی و تحلیل شود و در هر مورد، شاهد مثال‌هایی متناسب با عناوین انتخاب شده، از شعر شاعران مختلف ارائه شود. اصولاً همه‌ی مسایل مربوط به جوامع و نگرانی‌های فکری بشر به نحوی در ادبیات متجلی می‌شود. در طول تاریخ و در ادبیات ملل مختلف شاعران و نویسندگان در تلاش بوده‌اند تا دیدگاه خود را نسبت به پدیده‌های جوامع بشری در ادبیات بروز دهند و از این طریق سهمی در نشان دادن دغدغه‌های مهم بشریت داشته‌باشند. نوع نگاه انسان به « مادر » یکی از این مقولات است که در ادوار مختلف و به شکل‌های گوناگون در آثار سخنوران منعکس شده‌است.

اگر حیطه‌ی بررسی‌ها را به ادبیات فارسی محدود کنیم خواهیم دید که مادر در ادبیات ما نقشی متنوع دارد؛ اگر از آغاز پیدایش شعر و نثر فارسی به کندوکاو درباره‌ی زن و نقش او بپردازیم به مواردی متعدد برمی‌خوریم که به زن توجه شده و نقش و شان او محور اثر قرار گرفته‌است. زن در آثار کلاسیک فارسی گاه در نقش معشوق ظاهر می‌شود و گاه در نقش مادر، دختر، همسر و... در ادوار مختلف ادبیات فارسی نیز نقش‌های واحد از نظر ارزش و اهمیت دچار تغییرات اساسی شده‌است؛ به عنوان مثال ارزش و جایگاه زن به عنوان معشوق در دوره‌ی سبک خراسانی با ادوار دیگر نظیر عراقی و هندی کاملاً متفاوت است؛ در یکی معشوق زمینی و حتی کنیز عاشق و در دیگری آسمانی و برتر از عاشق است.

در دوره‌ی معاصر و با گسترش ارتباطات و ایجاد تحولات جدید در سطح جامعه، به‌ویژه از مشروطه به بعد، نگاه جامعه و به تبع آن دیدگاه ادیبان نسبت به زن دستخوش تغییرات اساسی شده‌است. در این دوره بیشتر در آثار داستانی به مقوله‌ی زن توجه نشان داده‌اند؛ با پیدایش و شکل‌گیری ادبیات داستانی به شکل نوین، نویسندگان همگام با حوادث اجتماعی پیش رفتند و مسائلی را در ادبیات مطرح کردند که در محافل سیاسی نیز مطرح بود؛ مسائلی نظیر آزادی، وطن، تعلیم و تربیت، رنج رعیت، برابری زن و مرد و... اما به مرور زمان مقوله‌ی زن از انحصار ادبیات داستانی خارج و به شکل چشمگیری وارد حوزه شعر شد.

با آغاز جنگ تحمیلی و نقش پررنگ زنان در عرصه‌ی دفاع مقدس توجه به زن در اشعار شاعران بیشتر و قابل تاملتر از گذشته شد. نکته مهم‌تر این است که نقش زن هم دچار تحول شد؛ زن که در ادوار گذشته بیشتر در لباس معشوق نمایانده می‌شد و بیشتر این جنبه از وجودش جلوه می‌کرد، به تدریج به عنوان مادر یا همسر در اشعار متجلی شد و این بعد از وجود او برجسته شد؛ به گونه‌ای که در غزل دفاع مقدس، توجه به مادر به یکی از مضمون‌های اصلی اشعار بدل شد در این مقاله تلاش بر این است که:

سیمای مادربه عنوان یک زن درغزل دفاع مقدس با تصویر متفاوت در تاریخ ایران نشان داده شود.

ضرورت انجام تحقیق

شعر و ادبیات فارسی، به‌ویژه در حوزه‌ی دفاع مقدس از زوایای مختلف نقد و ارزیابی شده است، اما آن چه مسلم است غزل دفاع مقدس از ظرفیت‌های بالایی در نقد ادبی و دیگر مسائل زبانی و زیبایی‌شناسی برخوردار است که برخی از این ظرفیت‌ها مغفول مانده است؛ یکی از این ظرفیت‌ها نقش مادر در این آثار است. با توجه به اهمیت غزل دفاع مقدس و رویکرد مثبت فضای ادبی معاصر نسبت به مقوله‌ی مادر به عنوان یک زن، بررسی سیمای مادروتجلی آن در شعر دفاع مقدس ضروری به نظر می‌رسد.

سیمای مادر در غزل دفاع مقدس

غزل دفاع مقدس جایگاه تجلی ناب‌ترین اندیشه‌های انسانی است، به گونه‌ای که می‌توان ردپای اینار و فداکاری بیشتر اقشار جامعه را در آن یافت. در این میان، مادر در غزل دفاع مقدس نقش و جایگاه ارزشی ویژه‌ای دارد و تبلور این نقش از زوایای متفاوتی به تصویر کشیده شده است. آفرینش آثار ادبی با این رویکردها، شک بستر مناسبی را برای فرهنگ سازی و تثبیت هرچه بیشتر باورهای دینی و آرمان‌های اسلامی فراهم خواهد آورد. برخی از برجسته‌ترین این زوایا در این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

- مادر در جایگاه حامی و پشتیبان

جنگ اتفاق ناخوشایندی است که تنها نقطه آسیب پذیر آن منطقه جنگی نیست بلکه همه جامعه ناخواسته درگیر آن می‌شوند، با شروع جنگ در یک سرزمین همه‌ی جامعه به ناچار، به نوعی با مسایل مربوط به آن روبه‌رو می‌شوند. بنابراین یکی از ابعاد مهم جنگ مسایل مربوط به پشت جبهه؛ نظیر پشتیبانی و آماده سازی زمین‌های حضور قدرتمند رزمندگان در جبهه است. این حمایت و پشتیبانی ممکن است مادی یا معنوی باشد که به هر شکل، ارزشمند و ضامن پیروزی است. در زمان جنگ چون مردان بیشتر در صحنه‌های نبرد حضور داشتند وظیفه‌ی زنان پشتیبانی و تدارک خطوط جنگ بود. از یک سو، مایحتاج فرزندان، برادران و همسرانشان را در جبهه تأمین می‌کردند و از دیگر سو وظیفه‌ی سنگین اداره‌ی خانواده، حفظ روحیه‌ی سلحشوری جامعه و ... را بر عهده داشتند؛ در این میان نقش مادربه جهت تقدس والای آن نقشی قابل تامل است.

مادر به جهت نقش مقدس و آرمانی که دارد قدرتمندترین بازوی حمایتی رزمندگان در زمان جنگ محسوب می‌شد. در واقع این کوه قدرت در پشت جبهه‌ها با حمایت همه‌جانبه از رزمندگان تا همیشه روزگار تاج افتخار بر سردارد. شاعران در آثار خود به ترسیم نقش مادران در پشت جبهه‌ها پرداخته‌اند تا از این رهگذر آنان را به تلاش بیشتر تشویق و ترغیب نموده و این افتخارات را برای همیشه در تاریخ این سرزمین ثبت نمایند.

در شعر زیرشاعر با زبانی ساده و صمیمی خاطرات جنگ را در ذهنش یادآوری می‌کند و نقش حمایت گر مادری را به زیبایی به تصویر می‌کشد.

توی ارونند، در آن نیمه‌ی شب، با قایق

چارده ساله علی، هم سفرم، یادت هست؟

ناله ای کرد و به یک بار به ارونند افتاد

بعد از آن واقعه، خم شد کمرم، یادت هست؟ ...

مادرش تا کمر کوچه به دنبالم بود

بسته ای داد، برایش ببرم، یادت هست؟

(فروغی جهرمی ، ۱۳۷۳ : ۲۵)

حضور درخشان در پشت جبهه و حمایت‌های مادرانه از جنبه های معنوی جبهه‌های جنگ بود که به زیبایی در کلام شاعران بازتاب یافته است . در شعر زیر نقش معنوی مادران که برای رزمندگان دعا می‌کردند و تمام توان خود را برای حمایت آنان معطوف می‌داشتند به زیبایی توصیف می‌شود :

آرام ونرم نم نم باران گرفته بود

دستی دوباره آینه قرآن گرفته بود

چشمی برای بدرقه ی آسمانی اش

یک کهکشان ستاره چراغان گرفته بود

(گنکره سراسری دفاع مقدس، ۱۳۸۸: ۹۳)

- مادر اسطوره شکیبایی و توکل

صبر و شکیبایی در آیین ایرانیان از مشخصه های بارز است و در زنان ایرانی این ویژگی برجسته تر به چشم می‌خورد. مادران شهدا نماد ایستادگی و بردباری هستند با افتخار حاصل عمر خود را فدای این سرزمین می‌کنند صبورانه سوزدل و اشک چشم خود را پنهان می‌کنند، مادرانی که هرگز سوز بی‌قراری شان را کسی نشنیده و داغ هجران را درسرای سینه خاک کرده اند . شعر زیر تصویر مادر صبری است که با شنیدن خبر شهادت یکی دیگر از فرزندانش آهسته و پنهان می‌گرید . شاعر برای بیان میزان شکیبایی و استواری معیار « به وسعت تاریخ » را برای این وارستگی در نظر می‌گیرد:

داری از خانه می‌زنی بیرون ، مثل خورشید شعله‌ور شده‌ای

نکند باز هم - زبانم لال - داغدار یکی دگر شده‌ای

ایستادی مقابل چشمم ، با سکوتی به وسعت تاریخ

تا فراسوی خویش زل زده‌ای ، به جنون مبتلا مگر شده‌ای

بی خودی سیل اشک هایت را می‌کنی زیر چادرت پنهان

من تو را درک می‌کنم بانو ! مثل من نیز خون جگر شده‌ای

(ذبیحی ، ۱۳۸۶ : ۳۷)

اوج صبری این اسوه های مقاومت زمانی است که از جگر گوشه های خود تنها استخوان و پلاک به دستشان می‌رسد و آنان باز هم صبر و سکوت را در پیش می‌گیرند :

ناشناس آمد مبدا مادرش فهمیده باشد

ممکن است از استخوان‌ها چهره‌اش را دیده باشد

تا کجا زن می‌تواند مرد باشد ، مرد وقتی

جای گریه بر سر تابوت او خندیده باشد

(جعفری ، ۱۳۸۵ : ۵۹)

- مادر ستون مردانه خانواده

جایگاه رفیع دیگری که مادرایرانی بر بلندای آن در شعر دفاع مقدس دیده شد نقش غیر مستقیم او در دفاع بود. ایفای نقش پدر در جایگاه مادرانه از هنرهای زنانه دیگری بود که مادرایرانی آن را با شایستگی هرچه تمام تر به سرانجام رساند و تلاش نمود تا فرزندان کمتر خلاء نبود پدر را حس کنند و به این ترتیب بهداشت روانی محیط خانواده آسیب نبیند. این نقش سنگین در شعر شاعر به زبان شیرین دخترانه بیان می شود. تصویر درد و دل دختر با قاب عکس پدر مقصود و هدف شاعر را به بهترین شکل در جام اندیشه مخاطب می ریزد.

نه در دلم ... دل تنگم ... ولی مگر می شد؟

مدام قاب نگاهت برابرم باشد

و یک غریبه صدایت کنم که «بابا ... آب ...»

فقط توقع یک برگ دفترم باشد

چه می شد آه اگر محض امتحان یک بار

تو می شدی پدری که ... باورم باشد

تو مرد خانه شوی! مهربان و نان آور

و مادرم فقط این بار مادرم باشد!

(همان : ۳۷)

دختر کوچکی که آرزوهای کودکانه اش را در طنزی تلخ بیان می کند و در آخر به صورت کنایی به نقش مرد بودن و نان آور بودن مادر اشاره می کند، مادری که با همتی بلند می کوشد تا خلاء عاطفی پدر را جبران کند اما کودک هنوز در اعماق وجودش به دست ها و نگاه گرم پدر نیازمند است و با آه و حسرت خواسته اش را بیان می کند و می خواهد که فقط یک بار، پدر او را دخترم صدا کند.

« صالح نمازی زاده » با تشبیه مادر به باغبان، سختی ها و ممرات های او را با زبان شعر به تصویر می کشد تا بار سنگین آن را بر شانه واژه ها بنشانند:

حالا برای کودک ده ساله ات فقط

یک عکس مانده با سفر داستانی ات

تنها زنی نشسته کنار مزار تو

مانده ست تا دوباره کند باغبانی ات

(دبیرخانه شورای شعر بنیاد، ۱۳۸۳: ۱۹۵)

- مقایسه مادر با شخصیت های مذهبی، به ویژه حضرت زینب (س)

بر اساس اعتقادات و باورهای دینی شعله عشق و ارادت قلبی به ائمه (ع) در سینه مردم ما همیشه روشن است از این رو برای اعتلای شخصیت یک شخص او را با شخصیت های مذهبی نظیر شهدا با امام حسین (ع) جانباز با حضرت ابوالفضل (ع)، جوان با حضرت علی اکبر (ع)، مادر وزن با حضرت فاطمه (س) و حضرت زینب (س) مقایسه می کنند. این مقایسه به نوعی در اندیشه شاعران جلوه یافت و به یکی از مضمون های اصلی شعر دفاع مقدس بدل شد.

در غزل زیر، شاعر برای بیان داغداری مادر شهیدی که خبر شهادت فرزند سومش را دریافت می کند، با مقایسه او با حضرت زینب (س) او را زینبی دیگر می داند که در سوگ فرزند دلاورش گرد پیری بر چهره اش نشسته است:

مثل زینب سیاه می پوشی، کربلا هم به گریه می افتد

از سر و وضع کوچه می فهمم، آه! همسایه! بی پسر شده ای

اشتباهی گرفته ام شاید، با کس دیگر تو را ... یا نه

آه ... نه! اشتباهی اصلا نیست، آه همسایه! پیرتر شده ای

(ذبیحی ، ۱۳۸۶ : ۳۷)

- سربلندی و افتخار مادران شهید

از ابتدای جنگ تحمیلی یکی از افتخارات بزرگ مردم ایران این بود که صاحب عنوان ارزشمند « خانواده‌ی شهید » باشند که به واسطه آن از یک سو مورد احترام و اعتماد جامعه و از سوی دیگر موجب سربلندی خود و اطرافیان می شد، چرا که مردم حفظ حرمت خانواده شهید را بر خود واجب می دانستند و با دیده ی احترام به آنان می نگریستند، این در حالی بود که خانواده ی معظم شهدا نیز از اینکه فرزندان عزیز خود را فدای این مرز و بوم نموده اند احساس غرور می کردند. این احساس سربلندی و غرور به قلم هنرمندانه شاعر به زبانی زیبا و افتخارآمیز به تصویر کشیده شده است، آنجا که شاعر مادر شهید را به سرای اندیشه می کشاند، مادری که از حضور خود در کنار مادران شهید دیگر درمی یابد که خود نیز « مادر شهید » نام گرفته است :

مثل تو قبیلہ‌ی دردم دیده‌ام روی خاک‌ها عریان
پسر پاره پاره‌ی خود را حتم دارم که باخبر شده‌ای
دیده‌بودم شبی تو را در خواب داخل جمع مادران شهید
بعد از آن خواب تازه فهمیدم که به این نام مفتخر شده‌ای
(همان : ۳۸)

و مادر شهیدی که با افتخار و سربلندی می‌گرید به قلم شاعرانه چه زیبا توصیف می‌شود:

کنار جاده‌ی غیرت شهید خواهد شد
مسافری که فقط در قطار می‌گرید
و مادری که نگاهش به ریل می‌افتد
چه بی ملاحظه با افتخار می‌گرید

(ذبیحی و باغستانی ، ۱۳۸۵ : ۲۴)

- حضوری آگاهانه در اجتماع

مادران ایرانی در هشت سال دفاع مقدس به یمن برخورداری از فرهنگ اسلامی- ایرانی و با تأثیرپذیری از الگوهای آیینی همچون حضرت زهرا (س) و حضرت زینب (س) در همه‌ی صحنه‌های اجتماعی و فرهنگی حضور داشتند . آنان به درجه ای از کمال و شعور اجتماعی رسیده بودند که در اوج حسرت و دردمندی ، علاوه بر حضور فعال در اجتماع و پشت جبهه ، حضور در خط مقدم جبهه‌ها را نیز آرزو داشتند. آرزو و رویای مادر ایرانی برای حضور در جبهه‌ها و شرکت در جنگ ، پا به پای مردان ، در شعر شاعران دفاع مقدس منعکس شده است .

غزل زیر از زبان مادر شهیدی روایت می‌شود که آرزویش حضور در جبهه و ایستادگی در برابر دشمنان ، پا به پای مردان است؛ اما رسالت سنگین و ارزشمند مادری مانع تحقق این آرزو شده است:

پنجه‌ی سکوت روی شیونم گذاشتی
مرهمی به زخم گریه کردنم گذاشتی
خواستم کبوتری شوم که پشت سنگرت ...
غم بر آرزوی دانه چیدنم گذاشتی
آدمم شریک استقامتت شوم ولی
بار سخت مادری به گردنم گذاشتی

(جعفری ، ۱۳۸۵ : ۴۰)

- مادران منظومه چشم‌انتظاری

از همان آغاز جنگ تحمیلی، همه‌ی مردم، به ویژه آنانی که عزیزانشان در جبهه حضور داشتند، چشم انتظار بازگشت رزمندگان بودند. این چشم‌انتظاری تا سال‌های پس از جنگ و حتی تا زمان ما ادامه یافت؛ انتظار برای بازگشت آزادگان، انتظار رجعت سرخ ستاره‌ها و برگزاری مراسم تشییع آنان و انتظار بازگشت رزمندگان مفقودالایر از جلوه‌های این انتظار از آغاز جنگ تا زمان ماست.

بی‌خبری از وضعیت عزیزان، بازماندگان را در شرایط روحی بدی قرار داد به نحوی که این چشم‌انتظاری برای بازگشت رزمندگان در یک نگاه اندیشمندانه به وضوح در بانوان این سرزمین نمود بیشتری پیدا کرد. در هر شهر و روستا مادرانی به چشم می‌خورند که با گذشت سال‌های بسیار طولانی از جنگ، هنوز امیدوارانه و با توکل به خدا منتظر بازگشت فرزندان خود هستند و چه بسا این توکل و امید در بسیاری از موارد نتیجه می‌بخشد. در طول دوران دفاع مقدس و پس از آن با صحنه‌های بی‌شماری از استقبال و انتظار مردم و خانواده‌های چشم‌به‌راه رزمندگان روبه‌رو هستیم. شاعران متعهد و هنرمند به زیبایی لحظه‌های سنگین انتظار را به تصویر کشیدند. این مضمون در آثار بیشتر شاعران به چشم می‌خورد.

در غزل زیر که از زبان همسر صبور یک مفقودالایر بیان می‌شود، چشم‌انتظاری طولانی سه زن مادر، همسر و دختر رزمنده را بیان می‌کند، انتظاری که گذر زمان گرد پیری بر چهره آنان نشانده است.

مادر در انتظار تو مویش سپید شد

وقتی که بیست سال تو را ناامید شد

می‌گفت روز آمدنت روز عید ماست

بیچاره آرزو به دل روز عید شد

سارا و ما و بازی تلخ کلاغ پر

وقتی پر از ترانه‌ی «بابا پرید» شد

من با پرندگان جهان اشک ریختم

باران برای از تو سرودن شدید شد

سارای هفت ساله و چشمان منتظر

یک زن - که انتظار تو را می‌کشید - شد

(دبیرخانه‌ی شورای شعر بنیاد، ۱۳۸۳: ۱۱۸)

شاعر برای نشان دادن طولانی شدن انتظار، مادری را در ذهن مخاطب مجسم می‌کند که موهایش سفید شده و دختری که دیگر بزرگ و تبدیل به زنی کامل شده است ولی هنوز در پیچ و خم کوچه‌های انتظار چشم‌به‌راه است. در بیشتر شعرهایی که بیانگر مفهوم انتظار است، شاعر تلاش می‌کند تا از عناصر داستان یوسف پیامبر، عموماً در قالب تلمیح، استفاده کند و با بکارگیری این تکنیک و هنر شاعرانه تاثیرگذاری اثر را با تکیه بر انتظار طولانی خانواده‌های مفقودالایر و اسیر بیشتر کند. شعر زیر حدیث نفسی است که از زبان مادر رزمنده‌ای بیان می‌شود که سال‌ها در جبهه‌حماسه آفریده، اما هیچ خبری از سرنوشت فرزندش برای او نیاورده‌اند:

ز ناله‌های بلندی که تا دهن نرسید

چقدر نامه نوشتی به دست من نرسید

به بغض‌هات نوشتی: «سلام مادر من ...»

سکوت کردی و جمله به آمدن نرسید

چقدر گریه شدم هر غروب، شاید ... نه

به چشم‌های ترم بوی پیرهن نرسید

(دبیرخانه‌ی شورای شعر بنیاد، ۱۳۸۳: ۱۶۵)

نتیجه گیری

یافته‌های این تحقیق حاکی از این است که نقش مادر در غزل دفاع مقدس، نقشی محوری و درخشان است. شاعران، تحت تاثیر فضای حاکم بر جامعه، نگاهی مثبت به مادران دارند و غزل‌های خود را با نام زیبای آنان می‌آرایند. در واقع اشعار شاعران متعهد دفاع مقدس با تکیه بر مادر محوری بازتاب نگاهی فراتر از جنبه‌های انسانی است و به مفهوم واقعی و کامل ریشه در جنبه‌های مثبت معنوی دارد. مادر در این اشعار نقش‌های متنوعی را ایفا می‌کند؛ شاید بتوان گفت مهم‌ترین یا یکی از مهم‌ترین نقش‌هایش، پشتیبانی از رزمندگان است که در غزل دفاع مقدس به خوبی نشان داده شده است. در بسیاری از غزل‌ها، مادرانی را می‌بینیم که به زیباترین شکل حامی رزمندگان خود هستند و در بالا بردن روحیه‌ی آنان نقش بسزایی دارند. سیمای مادران به عنوان کسانی که در غیاب پدر بار مسئولیت خانواده را بر دوش می‌کشند در غزل دفاع مقدس به خوبی توصیف شده است. به تعبیر روشن تر آنان با پر کردن جای خالی مردخانه بستری مناسب و آرامشی تحسین برانگیز برای وی فراهم می‌کنند که با فراغ بال بیشتری به دفاع از این مرز و بوم بپردازد. این زنان شایسته، سکان کشتی زندگی را با دست‌های توانمند خویش چنان هدایت می‌کنند که کسی نتواند کوچکترین خرده‌ای بر آنان بگیرد. روح لطیف مادرانه‌ای که آمیخته با جذب‌ه‌ی مقتدرانه پدر، ستون‌های خانه را همیشه استوار نگه می‌دارد، رسالت بزرگ و سنگینی که بر دوش این بزرگواران نهاده شده آنان را به شکیبایی و صبر دعوت می‌کند، رسالتی زینبی که از دیرباز از شاخص‌ترین و عمیق‌ترین ابعاد آیینی و اعتقادی ماست که بسیار مورد تکریم و توجه است. ثبت و خلق آثار هنری در حوزه شعر دفاع مقدس بی‌گمان فرصتی است برای آنان که احساس ادای دین به این عزیزان می‌کنند. دفاع مقدس هشت ساله موجب آفرینش ذوق و هنری شد که حماسه‌های بی‌ظنیر دلاور مردان و بزرگ زنان این سرزمین را برای همیشه با سبک و عنوانی بدیع و نو به نام "ادبیات دفاع مقدس" زیر چتر آسمانی خود قرار دهد تا جاودانگی آن بر زخم بازماندگان نسل آفتاب مرهمی به یادگار باشد.

منابع

- ۱- جعفری، محمدامین؛ (۱۳۸۵)، رهاتر از آسمان، شیراز: رخسید.
- ۲- دبیرخانه‌ی شورای شعر بنیاد؛ (۱۳۸۳)، روایت مجنون، تهران: لوح زرین.
- ۳- ذبیحی، ذبیح‌الله؛ (۱۳۸۶)، اشک انار ۲، سوادکوه: نماشون.
- ۴- ذبیحی، ذبیح‌الله و کیومرث باغستانی؛ (۱۳۸۵)، اشک انار، سوادکوه: نماشون.
- ۵- سنگری، محمدرضا؛ ۱۳۸۰، نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس (دوره‌ی سه جلدی)، تهران: پالیزبان.
- ۶- فروغی جهرمی، محمد قاسم؛ (۱۳۷۳)، رویش و پرواز: مجموعه شعر دفاع مقدس، تهران: معاونت تبلیغات و انتشارات نیروی زمینی سپاه.
- ۷- کریمی لاریمی، رضا؛ (۱۳۸۸) جلوه‌های ادبیات پایداری در سروده‌های شاعران مازندرانی، ساری: مرکز انتشارات توسعه‌ی علوم.
- ۸- مکارمی نیا، علی؛ (۱۳۸۳)، بررسی شعر دفاع مقدس، تهران: ترفند.
- ۹- کنگره سراسری دفاع مقدس، (۱۳۸۸)، هم سرو، هم صنوبر، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.